

الهی رجب بگذشت و ما از خود نگذشتیم  
و تو از ما بگذر.

(الهی نامه، عاومه حسن زاده آملی)

مهرگان

کاری از مجبین اهل بیت (علیهم السلام)  
شماره ۱۱ - تیرماه ۱۳۹۲

ارواح

خسیری در راه است...

بیا جفا دگر وقت

ظهور است

جهان تشنه

حسن حضور است

جهان نشد، در پی

مبعود موعود

تعمای تو در حد

وقوع است

من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که شخص اول است برای این که دومی در کار نیست، ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که «مهدی موعود» است، آتی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و خداوند ما را موفق کند به دیدار ایشان که چشم های ما روشن بشود به زیارت این وجود مبارک که واقعا شخصی است که نمی توانم بگویم شخص اول دنیا و نمی توانم بگویم رهبر، بالاتر از این مسایل هست.

امام خمینی (ره)

عَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ

مهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعای تعجیل فرج دوی همه دردهای ماست. می پرسند: «چرا این همه دعا می کنیم مستجاب نمی شود؟» [پاسخ این است:] شرط استجاب دعا، توبه است. لذا ملائکه می گویند: چرا دعا را با شرطش که توبه باشد به جا نمی آورید تا مستجاب شود؟ ما باید امام زمان (عج) را حاضر فرض کنیم. هر جا می رود، برویم و می توانیم! ولی گویا نمی خواهیم در راه رضای آن حضرت باشیم، نه این که رضای آن حضرت را نمی دانیم یا نمی توانیم تحصیل کنیم. بهترین کار برای به هلاکت نیفتادن در آخر الزمان، دعای فرج امام زمان (عج) است؛ البته دعایی که در همه اعمال ما اثر بگذارد. قطعا اگر کسانی در دعا جدی و راستگو باشند، مبصراتی (دیدنی های) خواهند داشت. باید دعا را با شرایط آن خواند و توبه از گناهان، از جمله شرایط دعا است.

آیت ... بهجت (ره)

دلش به مستحبین خوش  
است که جواب آن واجب  
است؛  
السلام علیک یا ابا صالح  
المصدق؛ ادرکنن! ...

ای کاشی

دیروز گناه

نمونه کردم

تا شما

امروز

مه آملی!

۱ مهرگان

شماره ۱۱ تیرماه ۹۲



# پرسش

**سؤال** چگونگی غیبت امام زمان (عج) را توضیح دهید؟

با توجه به روایات وارد شده درباره غیبت امام مهدی (ع)، در مورد چگونگی غیبت آن حضرت، دو صورت قابل تصور است.

(الف) ناپیدا بودن امام (غیبت جسمانی)

اولین صورت همان است که به طور متعارف در اذهان مردم در مورد غیبت آن حضرت وجود دارد؛ یعنی اینکه امام مهدی (ع) در طول مدت غیبت خویش از نظر جسمی از نظر مردم دور است و اگر چه آن حضرت در این مدت، مردم را می بینند و از حال آنها با خبر می شوند، ولی کسی توان دیدن ایشان را ندارد و با حضرتش روبه رو نمی شود.

نمانی در کتاب الغیبه، چهار روایت نقل می کند که همه بیانگر همین صورت اول است. از جمله این روایات چهارگانه، این روایت امام صادق (ع) است که می فرماید: [در زمان غیبت] مردم، امام خویش را نمی یابند. با اینکه او در موسم [حج] حاضر می شود و مردم را می بیند، ولی کسی او را نمی بیند.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین نقل می کند که امام رضا (ع) در پاسخ کسی که از آن حضرت در مورد قائم آل محمد (ص) پرسید، می فرماید: «لایری جسمه، و لایسمی باسمه...؛ جسم [آن حضرت] دیده نمی شود و به اسم نام برده نمی شود».

امیر المومنین علی (ع) نیز در روایتی می فرماید: حجت خدا بر روی زمین بر آن ایستاده است. در راه های آن حرکت می کند و در قصرها و خانه های آن داخل می شود. او شرق و غرب زمین را در می نوردد. سخنان مردم را می شود و بر جماعت آنها سلام می کند. او مردم را می بیند، ولی کسی او را نمی بیند تا زمانی که وقت ظهور در رسد و وعده الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین انداز شود. همانا آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان اوست.

حاصل روایات بالا این می شود که در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی، اما عصر (ع) به کلی از دیدگاه مردم غایب است و جز در موارد بسیار اندک و آن هم در مقابل بندگان خاص خداوند حاضر نمی شود.

(ب) ناشناس بودن امام (غیبت مقامی)

صورت دومی که برای غیبت حضرت ولی عصر (ع) می توان تصور کرد، این است که اگر چه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می یابد و با آنها برخورد می کند، ولی کسی آن امام را نمی شناسد و به هويت واقعی ایشان پی نمی برد. بنابراین فرض، امام مهدی (ع) در هر شهر و مکانی که اراده کند حضور می یابد و مانند دیگر مردم به زندگی می پردازد، ولی کسی از حقیقت حال ایشان آگاه نمی شود.

**شاید ماهم با حضرتش  
برخورد داشته ایم و او را  
نشناخته ایم...!**

روایاتی وجود دارد که می توان از آنها صورت دوم را استفاده کرد که از آن جمله باید به روایتی اشاره کرد که شیخ طوسی در کتاب الغیبه از دومین نایب خاص آن حضرت؛ یعنی محمد بن عثمان عمری نقل می کند:

به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در موسم [حج] حضور می یابد، در حالی که او مردم را می بیند و آنها را می شناسد، ولی مردم با اینکه او را می بیند، وی را نمی شناسند.

امام صادق (ع) نیز درباره غیبت آن حضرت چنین می فرماید: چگونه این مردم، این موضوع را که خداوند با حجتش همان گونه رفتار می کند که با یوسف رفتار کرد، انکار می کنند؟ همچنین چگونه انکار می کنند که صاحب مظلوم شما همان که از حقت محروم شده و صاحب این امر [حکومت] است در میان ایشان رفت و آمد می کند، در بازارهایشان راه می رود و بر فرش آنها قدم می نهد، ولی او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند، همچنان که به یوسف اجازه داد، آن زمان که برادرانش از او پرسیدند: «آیا تو یوسف هستی؟» پاسخ دهد که «بلی، من یوسف هستم». بنا بر این فرض، برای حفظ امام مهدی (ع) از شر دشمنان لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان پوشیده باشد، بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشود و هويت حضرتش بر آنها پوشیده بماند، کفایت می کند. در توییعی که از ناحیه مقدسه امام زمان (ع) برای محمد بن عثمان، به دست می آید که حضرتش با پنهان داشتن نام و عنوان و مکان خویش به راحتی می تواند از شر دشمنان در امام باشد. در این صورت، دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از انسان ها به دور باشند. آنچه معنای دوم را تایید می کند، سخنان کسانی است که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده و حالات مختلفی را برای حضرتش برشمرده اند. چنان که از سخنان آنها بر می آید حضرت مهدی (ع) گاه در موسم حج با لباس احرام همچون دیگر حجاج با آنها رو به رو می شود؛ گاه در لباس تجار و شمایی که مخصوص تجارت پیشگان است، گاه در صورت یک عرب معمولی که در بیابان ها راه را بر گم شدگان می نمایاند و نظیر آن. این موضوع حکایت از این دارد که حضرت مهدی (ع) از نظر ظاهری، با انتخاب پوشش های مختلف، هويت واقعی خود را از دیدارکنندگان پنهان داشته است و بیشتر آنان در نگاه اول موفق به شناخت آن حضرت نشده اند. تنها پس از جدا شدن آن جناب از ایشان، به هويت واقعی شخصی که با او دیدار کرده اند، پی برده اند.

منبع: ماهنامه موعود





# بصیرت

**سؤال** مگر هدف اسلام راحتی مردم نیست، مگر حضرت علی (ع) برای راحتی مردم کنار نکشید؟ پس چرا با امریکا ارتباط نداشته باشیم؟ چرا ولایت فقیه در این راستا اقدامی نمی نماید؟

الف- اینکه هدف اسلام را راحتی مردم فرض کردید امر غلطی است. نه تنها هدف اسلام راحتی [ظاهری] مردم نیست، بلکه خداوند متعال قسم یاد نموده که انسان را در سختی و رنج آفریده است: « [قسم که] به راستی که انسان را در رنج آفریده ایم. » (البقره، ۴).

مگر روزه، نماز، زکات، حج، جهاد و... دستورات اسلام نیست که تمام آنها با سختی های خاص خودشان همراه هستند. دقت شود که رشد و کمال در این دنیا مستلزم قبول رنج و زحمت است و راحتی همیشه به وقت حصول نتیجه است و نه به هنگام تلاش برای رسیدن.

هدف اسلام راحتی به معنای تأمین حداقل مایحتاج دنیوی به قیمت از دست دادن همه شئون انسانی نیست. ولایت فقیه نیز بیش از نبی اکرم (ص) از اسلام نمی دانند. به پیامبر اکرم (ص) و امت ایشان در طی ده سال حکومت، بیش از صد جنگ بزرگ و کوچک تحمیل شد و هیچ گاه راحت نبودند و نیز نگفتند که چون هدف اسلام راحتی است، پس بیایم با کفار کنار بیاییم و زیر بار ذلت برویم. اگر چنین بود که اصلاً پیامبری مبعوث نمی شد. پیامبران مبعوث شدند تا مردمان ولایت الله را بپذیرند نه ولایت طاغوتها را و تحقق این امر زحمت دارد و نتیجه اش راحتی دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

ب- حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز هیچ گاه برای راحتی مردم کنار نکشیدند، بلکه مردم حکومت او را

نخواستند و ایشان را کنار گذاشتند و همین نافرمانی امر خدا سبب گردید، تا راحتی به دست آورده را که باید کامل می کردند نیز از دست دادند. نتیجه کارشان به حکومت جبار جاهلی چون معاویه رسید که تمامی راحتی و آسایش آنان را سلب کرد.

ج- در خصوص ارتباط با امریکا نیز باید به چند نکته مهم توجه شود:

- چه کسی گفته و تضمین داده که ارتباط با امریکا راحتی می آورد؟! خود امریکایی ها و اروپایی ها نیز امروز راحت نیستند. تظاهرات های مستمر مردم در امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، یونان، اسپانیا و... همه به خاطر ناراحتی است و تداوم ارتباطشان با امریکا و حکومت های وابسته نیز برای آنان چیزی جز تحمیل بسته های ریاضت های اقتصادی و تحقیرشان نداشته است.

- جمهوری اسلامی ایران مشکلی در ارتباط با امریکا، انگلیس و هیچ کشور دیگری (جز اسرائیل که اساساً آن را به عنوان یک کشور قبول ندارد و حکومتی غاصب می شناسد) ندارد، بلکه آنها هستند که برای تداوم ارتباط، شرایطی دیکته می کنند که همه مستلزم تحمیل ناراحتی های مضاعف کوتاه مدت و دراز مدت بر مردم است. برای برقرار و تداوم ارتباط با امریکا، باید حتی کنترل میزان عقل، شعور و علم خود را به آنها بسپاریم و فقط در راستای تحقق اهداف امریکا گام برداریم؛ کشور را آن گونه که امر

می کنند تجزیه و تقسیم کنیم؛ کشاورزی و صنعت را به مقداری که امر می کنند رشد داده یا در واقع نابود کنیم و همه نوامیس مادی و معنوی خود را نیز با لبخند تقدیم کنیم! آیا این راحتی است و یا حتی اندکی راحتی مادی را در پی خواهد داشت؟

- برخی چنان تبلیغ و شایعه می کنند که «چرا با امریکا رابطه برقرار نمی کنیم» که گویا امریکا دائم التماس می کند و ما نمی پذیریم! مگر تحمیل جنگ داخلی، جنگ خارجی، ترور، تحریم اقتصادی و ... از سوی ماست و یا به خاطر عشق امریکا به ما و تمایلش به برقراری ارتباط ما بوده و هست؟

- آنها شروطی برای برقراری ارتباط دارند که تمامی اش مبتنی بر پذیرش استعمار و استثمار ابلهانه و ذلت وار است و جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) نیز شروطی دارد که تمامی اش مبتنی بر عدم دخالت و ادامه دشمنی است. حال کدام طرف مایل به ارتباط است و کدام طرف دشمنی می نماید؟!

مقام معظم رهبری:

\*- «رابطه با امریکا برای ما مضر است آن روزی که رابطه مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستیم...»

\*- «مسئله این است که شرایط این دولت به گونه ای است که رابطه ای با او برای ما ضرر دارد. انسان رابطه را با هر کشوری به دنبال تعریف یک منفعتی ایجاد می کند؛ آنجائی که برای ما منفعت ندارد، دنبال رابطه نمی رویم؛ حالا اگر ضرر داشت، به طریق اولی دنبال رابطه نمی رویم.»

\*- «می گویند: چرا جلب دشمنی امریکا را می کنید؟ مثلاً فرض کنید حالا رئیس جمهور تعبیر تندی می کند، ناگهان آقایان به اصطلاح عقلاً می گویند این تعبیر تند بود؛ این دشمنی امریکائی ها را جلب می کند. نه آقا! دشمنی امریکائی ها تابع این الفاظ و تعبیرات نیست. دشمنی، دشمنی اصولی است.»

\*- مذاکره برای اثبات حسن نیت است. شما از سر سوءنیت ده ها کار انجام می دهید و بعد به زبان می گوید مذاکره! آیا ملت ایران می تواند باور کند که شما حسن نیت دارید ...

**شما بفرمایید خودتان تحریم**

**هی فلج کننده می گذارند**

**ملت را فلج کنید. آیین نشان**

**دهنده حسن نیت است یا**

**سوءنیت؟!**

برگرفته از: www.x-shobhe.com



# پرسش‌های؟

**سؤال** آیا ۳۱۳ نفر یاران امام همه هم عصر زمان ظهور هستند؟

## انتظار مدرن

از دوری تو غمین و نالون هستیم وز کرده خود کمی پشیمون هستیم اصلیت ما را تو اگر می‌پرسی از کوفه ولی مقیم تیشون هستیم! ما لشگری از سلاح روسی داریم دردوز و کلک رگ و فوسی داریم هر جمعه که شد بیا که ما منتظریم این هفته فقط نیا عروسی داریم از جور زمانه ماشکایت داریم اندازه کوه و صخره حاجت داریم ما مشکلمان گرانی و بیکاری ست آقا به نبودنت که عادت داریم... ماقیمت روز ارز را می‌دانیم معیار بهای بورس در تهرانیم فعلاً ۳۰۲ روزیست هوا پس شده است هر روز دعای عهد را می‌خوانیم صد موعظه کن ولی زتسلیم نگو از خمس و زکات و ضرب و تقسیم نگو آقا تو بیاولی فقط بایک شرط... از آنچه که ما دوست نداریم نگو!

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در زمان ظهور زندگی می‌کنند. در برخی روایات آمده است که اینان شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه «این ما تکنونا یأت بکم الله جمیعاً» درباره این گروه است از روایات به خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، هم عصر زمان ظهورند. البته از برخی روایات، استفاده می‌شود که برخی از بزرگان روزگار گذشته، بر اساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: خروج می‌کنند با قائم (ع) از پشت کوفه یا کعبه - ۲۷ مرد که عبارتند از: بانزده نفر از قوم حضرت موسی (ع) و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر؛ پس در نزد آن حضرت، از یاران و والیان هستند. بنابراین، یاران قائم (عج) هم از افرادی هستند که هم عصر زمان ظهورند و هم از افرادی اند که پیش از زمان ظهور، زندگی کرده اند و از دنیا رفته اند.

منبع: مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر

## مرسی نه..... این کلمه غریبه

## به روزگاری خدا

یاداش نماز اول وقت

جاده های کردستان آن قدر نا امن بود که وقتی می‌خواستی از شهری به شهر دیگر بروی، مخصوصاً توی تاریکی، باید گاز ماشین را می‌گرفتی، پشت سرت را هم نگاه نمی‌کردی. اما مهدی زین الدین که همراهت بود، موقع اذان، باید می‌ایستادی کنار جاده تا نمازش را بخواند. اصلاً راه نداشت. بعد از شهادتش، یکی از بچه‌ها خوابش را دیده بود؛ توی مکه داشته زیارت می‌کرده. یک عده هم همراهش بوده اند. گفته بود «تو این جا چی کار می‌کنی؟» جواب داده بوده «به خاطر نمازهای اول وقت، این جا هم فرمانده ام.»

منتظر القائم

نیمه شعبان سال ۱۳۶۹ بود.

گفتم امروز به یاد امام زمان (عج) به دنبال عملیات تفحص می‌رویم اما فایده نداشت.

خیلی جست و جو کردیم پیش خود گفتیم یا امام زمان (عج) یعنی می‌شود بی نتیجه برگردیم؟

در همین حین ۴ یا ۵ شاخه گل شقایق را دیدیم که برخلاف شقایق‌ها، که تک تک می‌رویند، آنها دسته ای روییده بودند.

گفتم حالا که دستان خالی است شقایق‌ها را می‌چینیم و برای بچه‌ها می‌بریم. شقایق‌ها را کندیم. دیدیم روی پیشانی یک شهید روئیده اند.

او نخستین شهیدی بود که در تفحص پیدا کردیم، «شهید مهدی منتظر قائم»

مرسی  
خرما گرفته بود دستش، به تک تک بچه‌ها تعارف می‌کرد. خسته نباشید می‌گفت.

خرما تعارفم کرد. گفتم «مرسی»

گفت «چی گفتی؟»

– گفتم مرسی.

ظرف خرما را داد دست یکی دیگر. گفت «بخیز»

هفت – هشت متر سینه خیز برد.

گفت «آخرین دفعه ات باشه که این کلمه رو میگی، این کلمه غریبه...»





امام مهربان تمام عالم

رفتیم که بتوانیم در ایران دینم را تکمیل کنیم و یک مسلمان شیعه باشیم. موقع برگشتن به هتل با مردی برخورد کردم، او از گذشته من و این که دلم می جوشد، سخن گفت. تعجب کردم. پرسیدم: شما از کجا می دانید؟ آن مرد داستان زندگی مرا از دوران بچگی تا آن روز، یک به یک باز گو کرد. حرف های آن مرد مرا شگفت زده کرده بود. او حتی به من گفت که "تو در کودکی، به دور از چشم خانواده، همیشه به آسمان نگاه می کردی و می گفتی: "ای کسی که سلطان آسمان ها هستی! می خواهم با تو آشنا شوم!" این مطلب را هیچ کس نمی دانست. او سرنوشتم را سخت، ولی روشن تصویر کرد. بعد هم گفت: "من برای هدایت مردم آمده ام تا گناه نکنند" گفتم: "شما چه کار بزرگی دارید! لطفا آدرس به من بدهید که با شما تماس بگیرم" او گفت: "آدرس ندارم" گفتم: "می خواهم شما را باز هم ببینم!" گفت: "نمی توانی اما من به یاریت می آیم". گفتم: "در راه ایران چه اتفاقی می افتد؟" گفت: "مشکل بزرگی ایجاد می شود، ولی تحمل داشته باش! از مشکلات ترس! این مسایل برای تو روشنایی می آورد."

وقتی برای اولین بار در ایران درباره امام زمان (ع) و اوصاف و علائم ظاهری آن حضرت شنیدم، دریافتم مشخصات امام زمان (ع) دقیقاً همانند مشخصات آن مردی است که در پکن دیده ام.

اینک به یقین فهمیده ام آن مرد بزرگواری که راه را برای مسلمان شدن هموار کردند، امام زمانم بوده است. امیدوارم که بار دیگر با ایشان ملاقات داشته باشم.

"یولی" دختر جوان شیانگی، از چین به ایران آمده و به مذهب تشیع مشرف گردیده است. او نام نخستین زن شهید اسلام «سمیه» را برای خود برگزیده است.

دوست جوان مسیحی اش از «یولی» می خواهد که برای اجرای مراسمی به کلیسا برود. یولی موافقت می کند، اما در شب موعود، تاکسی به اشتباه او را به جای کلیسا در مقابل یک مسجد پیاده می کند. یولی را سیل جمعیت رهبری می کند و در حین حرکت برای نخستین بار "سلام علیکم" را می آموزد. ابتدا کمی متعجب است، ولی به سرعت حیرت جایش را با احساس قشنگی عوض می کند؛ به حدی که یولی همراه با زنان پوشیده شده در لباس سفید، حرکات آنها را تقلید می کند. خودش می گوید: (نمی دانستم نماز می خوانم ولی از کارهایی که انجام می دادم، لذت می بردم و احساس شادی عجیبی پیدا کرده بودم). یولی تحت تاثیر معنویت مسجد قرار می گیرد. از آن شب رغبتی به رفتن کلیسا و اجرای مراسم ندارد هرگاه دلش می گیرد، مانند زنان مسلمان سفید پوش ملحفه ای بر سر می کشد و همان کارها را تکرار می کند و عجیب این که آرامش بر وجودش مستولی می شود. یک سال چنین می گذرد، دوست مسیحی اش با اینکه از او دلگیر شده است، ولی خواهش می کند که با هم به سفری بروند. یولی می پذیرد. شب میان راه در منزل خانومی پیتوته می کنند. یولی بر تاقچه آن خانوم کتابی را به زبان چینی می یابد. شب را تا صبح با این کتاب می گذراند و انس با آن وادارش می کند که کتاب را از صاحب خانه طلب کند. کتاب را بر می دارد و چون جان شیرین در بغل می گیرد. صاحب خانه به او می گوید که این کتاب ((قرآن و قانون دین اسلام)) است؛ و آنچه از خدا و اصول اسلام می داند برای یولی باز می گوید.

می گوید: از فردای آن روز که مجبور شدم دین پنهان شده ام را آشکار کنم مورد تمسخر استادان قرار گرفتم و دیگر آن احترامی را که ناشی از استعداد و اخلاقم بود، در بین اساتید و دانشجویان نداشتم. از متلک ها و انتقادهای آنان هراسی به دل راه ندادم به مسجد رفتم و گفتم: ((بنویسید که من مسلمانم و می خواهم شناسنامه داشته باشم.)) دوست داشتم در باره اسلام بیشتر بدانم و اطلاعاتم را عمیق تر کنم.

سر انجام به سفارت ایران رفتم، چون همان خانومی که قرآن را به من داده بود گفته بود: ((برای مسلمان شدن به سفارت ایران برو!)). کتاب انقلاب نور را خوانده بودم و رهبر ایران، امام خمینی را می شناختم. با این هدف به سفارت

برگرفته از مصاحبه مجله زن روز با یولی (اصل مصاحبه از قسمت امور فرهنگی مسجد جمکران به دستمان رسید) و کتاب تلاشگر پنهان



## روش نزدیک شدن به امام

آیت الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی می فرمایند: شیعی درعالم رویا امام زمان (عج) را دیدم. به ایشان عرض کردم: چه کنم تا به شما نزدیک شوم؟ به زبان فارسی فرمودند: ((عملت را عمل امام زمان قرار بده.)) من گمان کردم منظور حضرت این است که در مورد هرکاری ببین اگر امام زمان (عج) این کار را می کند تو هم انجام بده. عرض کردم: این آرزوی من است، چه کنم که در این امر موفق باشم؟ فرمودند: ((الاخلاص فی العمل، درکارهای خود اخلاص داشته باش.))

رازهای جمعه موعود، ص ۱۰۹

## گناه شیعیان

امام زمان (عج) می فرمایند: «نادان ها و کم خردان شیعه و کسانی که به اندازه پر و بال پشه دین ندارند- بارفتار و گفتار ناشایست خود- مارا آزار می دهند.»  
احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴

## دعا برای فرج، واجب عینی

آقای میرزا محمد باقر اصفهانی می گوید که شبی در خواب گویا مولایم حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) را دیدم که به من فرمودند: «روی منبرها به مردم بگویند که توبه کنید و برای فرج حضرت حجت (عج) دعا نمایید و بدانید این دعا مثل نماز میت واجب کفایی نیست بلکه مانند نمازهای یومیه بر تمام مکلفین واجب است.»

ملاقات با امام عصر (عج)، ص ۸۷

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ كُنْ لِي كَمَا كُنَّ الْحَبِيبُ الْحَسَنُ  
صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ وَعَلَى آبَائِهِ  
فِي بَدْوَةِ السَّاعَةِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاطِقًا لِي وَعِيًّا  
حَتَّى تَكُونَ ضَرْعًا حَامِيًا وَمَنْعًا لِي

## میثاقی مقربین

### وضعیت ازدواج اورزانسه است!

اولین مرحله برای فراهم شدن زمینه‌ی یک ازدواج آسان و باموفقیت، تبیین موضوع و جوب ازدواج برای جوانان است. در شرایط کنونی جامعه و با توجه به توسعه‌ی ارتباطات و تهاجم فرهنگی رسانه‌ها، می توان امر ازدواج را از اهم واجبات به شمار آورد؛ زیرا متأسفانه لغزشگاه های فراوانی بر سر راه جوانان کشور مان ایجاد گردیده است به طوری که در این شرایط واقعاً «در جوانی پاک بودن شیوه بیگمبری است.» بر این اساس اگر جوانی احساس کند قادر به کنترل غرایز جنسی خود نیست، به طور طبیعی و طبق فتوای فقها امر ازدواج بر او واجب است و این جوان راهی جز مبادرت به ازدواج ندارد. به عبارت دیگر، فرصتی برای تصمیم گیری در این زمینه نیست که بگوید من باید فکر کنم که آیا خوب است ازدواج کنم یا نه؟

با این مقدمه می توان گفت برای طیف وسیعی از جوانان، ازدواج حکم واجب را دارد. البته نباید به گناه و خطا افتادن را صرفاً در مسائل جنسی و گناهان کبیره دانست؛ زیرا تأثیر منفی مجرد ماندن جوانان و غلیان شهوت در وجود ایشان، موجب می شود با حالات ناشی از این مسأله در زمینه های دیگر زندگی و امور واجب دیگر، خللی ایجاد شود. مثلاً جوشش غریزه‌ی جنسی، توفیق کسب علم و یا عبادتی با حضور قلب را به او نمی دهد و گاه در پی سرخوردگی ها و بیم به گناه افتادن، از روابط اجتماعی خود می کاهد و رفته رفته تأثیرات روانی این رفتار، موجب عصبی شدن و تندخویی او می گردد. از تأثیرات جانبی ناشی از این مسأله می توان بی میلی به کار و فعالیت، به درس و مطالعه و بی میلی به معاشرت و مصاحبت با همسالان، اقوام و دوستان نام برد. هر چند موارد یاد شده از گناهان به شمار نمی آید، اما این ناهنجاری ها مقدمات گناهی را در انسان بوجود می آورد.

باید خاطر نشان شد که سوابق دینی، مذهبی، تقوا و رشد فکری نمی تواند همیشه نگاه دارنده از لغزش ها باشد در شرایط بحرانی کنونی که میدان لغزش ها بسیار گسترده است، نه تنها صاحبان تقوا، بلکه دارندگان عصمت هم توانایی مقاومت در برابر آن را در خود نمی بینند چنان که در قرآن به این نکته صریحاً اشاره شده است. هنگامی که زلیخا در آن محفل زنانه به ملامتگران خویش اعلام می کند من آخر یوسف را وادار به این گناه می کنم؛ حضرت یوسف در پاسخ به او نمی گوید تو توانایی چنین کاری را نداری زیرا من معصوم هستم، بلکه می فرماید: پروردگارا! ... اگر مکر و نیرنگ آن هارا از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود (۳۳ یوسف)؛ همچنین نقل کرده اند از مقدس اردبیلی پرسیدند: اگر در خانه ای بین شما و خانمی خلوتی ایجاد شد، چه می کنید؟ مقدس اردبیلی گفت: من به خدا پناه می برم که چنین امتحانی رابه سرم نیاورد.

انسان در شرایط کنونی به طریق اولی نمی تواند به گذشته خویش اطمینان و تکیه داشته باشد و با خود بگوید با وجود این ماهواره ها، وسایل ارتباط جمعی، تلفن های تصویری و... من دچار لغزش نمی شوم!

کلام حضرت یوسف که فرمود: من نفس خود را از بدی تبرئه نمی کنم، چرا که نفس آدمی بسیار به بدی فرمان می دهد (۵۳ یوسف) هشدار می تکان دهنده برای همه جوانان عزیز است.

خلاصه مطلب این که ازدواج امری فوری و فوتی است و هر لحظه تاخیر در آن موجب خسران است؛ جوانان عزیز باید این امر مقدس را در وقت خودش و در اوج شور و نشاط جوانی انجام دهند و اینکه با احساس و جوب ازدواج دیگر معنی دراصل قضیه نداشته باشند و به ازدواج جداً فکر کنند و زودتر «آستین ها را بالا بزنند.»

برگرفته از: مطلع مهر، امیر حسین بانکی پور فرد

## از دل تنگت بگو

بی صبرانه و مشتاقانه منتظر پیامک ها و نظراتتون هستیم.

۰۹۱۲...۹۸ - Ba salam heyfe k derange rustahaye mojavere estefade nakonan zahmat be keshid rustahaye atrafam tozi kinid

🌸 : اگر دوستان برای پخش نشریه و هزینه چاپ یاری برسانند، محبین آمادگی همکاری دارند...

۰۹۱۹...۳۱ - سلام محبین اهل بیت. ممنون ک ب مقوله حسادت پرداختین. ولی خیلی کوتاه و سطحی بیان کردین و آنطور ک باید زشتی این رذیله اخلاقی رو نشون ندادین. این مباحث باید بطور جامعتری مطرح بشه. ب سادگی ازش رد نشین چون از نیازای میرم جامعه امروزه. با آرزوی توفیقات روز افزون

🌸 : ما هم دوست داریم تا کامل تر به مباحث اخلاقی بپردازیم؛ اما فضای نشریه محدود است.

۰۹۱۵۲۴۷۸۰۰۳ پیامک website derang: [www.derang313.blog.ir](http://www.derang313.blog.ir) E.mail: [derang313@gmail.com](mailto:derang313@gmail.com)